

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۱۶ جنوری ۲۰۲۰

از تحریم جشنواره فجر

تا تحریم مضحکه انتخابات شورای اسلامی و فساد در سینما!

اقدام اخیر برخی هنرمندان سینما، تئاتر، موسیقی، ورزشکاران و مجریان برنامه های تلویزیونی قابل تقدیر است!

پس از آن که مقامات حکومت اسلامی ایران، صبح شنبه ۲۱ دی - ۱۱ ژانویه به طور رسمی و تحت فشار بین المللی به ساقط کردن هواپیمای بوئینگ ۷۳۷ توسط راکت بالستیک اعتراف کردند، همه تظاهرات هائی در دانشگاه و شهرهای ایران راه افتاد و هم جمعی از هنرمندان که امسال قرار بود در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر حضور داشته باشند، در هم دردی با خانواده جان باختگان و اعتراض به عملکرد مسئولان حکومتی از شرکت در این جشنواره انصراف دادند.



از سوی دیگر، جشنواره تحت تاثیر به هلاکت رسیدن قاسم سلیمانی، قرار گرفته است. جشنواره فیلم فجر، با موافقت ریاست سازمان سینمایی، تندیس سلیمانی را در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر به بهترین فیلم با مضمون جهاد و مقاومت اهدا خواهد کرد.

برخی از چهره های سیاسی، ادبی، هنری و ورزشی در مرگ قاسم سلیمانی سوگواری کردند و در رابطه با او، پیام دادند. اما در سوی دیگر، کم نیستند چهره های فرهنگی، هنری و نویسندگی که از او به عنوان جنایت کاری که دست هایش به خون کودکان سوریه، یمن، لبنان و افغانستان آلوده است، نام می برند. به نظر می رسد که این تفاوت ها و تناقضات جامعه ایرانی را به دو بخش مقابل هم تقسیم کرده باشد. اما اعتراض دانشجویان و مردم و شعارهای رادیکال آن ها علیه کلیت حکومت اسلامی و در رای همه خامنه ای و سپاه پاسداران و قاسم سلیمانی این نظریه به سرعت رنگ باخت.

اکنون همگان می دانند که شلیک پدافند سپاه پاسداران به هواپیمای مسافربری، نه خطای انسانی، بلکه عمدی و تروریسم دولتی بوده است و این که در پشت پرده چه سیاست هائی در جریان است هنوز روشن نیست. از این رو، توجیهاتی نظیر این که هواپیمای مسافربری را با راکت کروژ اشتباه گرفته است، هواپیما مسیرش را تغییر داده بوده است، هواپیما به طرف حریم فضائی پایگاه پاسداران حرکت می کرده است و غیره، هیچ کس را قانع نمی کند. این توجیهات نشان می دهد که جانیان و تروریست های حاکم بر ایران، هم چنان در تلاشند واقعیت ها را مخفی کنند. حتی سخنگوی کمیسیون امنیت ملی مجلس شان می گوید شلیک به هواپیما نمی تواند سهوا صورت گرفته باشد و باید دید پشت پرده چه گذشته است. اکنون دولت کانادا و سایر دولت هائی که شهروندان شان در این فاجعه جان باخته اند خواستار روشن شدن همه ابعاد این واقعه دردناک هستند و اعلام کرده اند تا روشن شدن تمام حقیقت به تحقیق در این مورد ادامه خواهند داد. به نوشته دویچه وله، دو راکت از سوی سامانه دفاع هوائی ایران به این هواپیما برخورد و آن را سرنگون کردند. سامانه «تور-ام ۱» متعلق به قرارگاه پدافند هوائی خاتم النبیا است. این قرارگاه مسؤول هماهنگی فعالیت های پدافند هوائی ارتش و سپاه و امنیت هوائی کشور است. راکت های این سامانه به کلاهک های کوچکی با بیش از ۱۴ کیلوگرم مواد منفجره مجهز هستند و می توانند هدف را متلاشی و به قطعات کوچک فلزی بدل کنند.

حکومت اسلامی، سعی دارد با توییح مأمور و یا مأمورانی تحت عنوان خطای انسانی، سر و ته قضیه را هم بیاورد در حالی که در این واقعه نه خطای انسانی، بلکه آشکارا جنایت و تروریسم بزرگ حکومت اسلامی است. حکومتی که چهل و یک است فاجعه پشت فاجعه می آفریند و بلافاصله یک کلاه شرعی درست می کند تا سر شهروندان ایران بگذارد. اما این بار بدجوری به تله افتاده است! عوامل اصلی این جنایت، مستقیما خامنه ای و روحانی و سپاه پاسداران هستند.

در پی انتشار تصاویر اصابت راکت به هواپیمای مسافربری اوکراینی در فضای مجازی، قرارگاه ثارالله تهران روز سه شنبه ۱۴ ژانویه ۲۰۲۰ با انتشار بیانیه ای اعلام کرد که فلم بردار این سانحه را بازداشت کرده است. یک دروغ دیگر حکومت اسلامی، افشا شد. تصاویر جدید یک دوربین امنیتی حاکی از شلیک دو راکت ایرانی به فاصله ۳۰ ثانیه از یکدیگر به سوی هواپیمای مسافربری تهران - کی یف بعد از اوج گرفتن از فرودگاه تهران و اصابت به آن است.

رویترز به نقل از روزنامه آمریکائی نیویورک تایمز، گزارش داده که این دو راکت از تأسیسات نظامی ایران، واقع در هشت مایلی هواپیما شلیک شده است.

در این ویدئو دیده می شود که هیچ کدام از این دو راکت بلافاصله هواپیما را سرنگون نمی کنند و هواپیما که آتش گرفته مسیر خود را به سوی فرودگاه تهران تغییر می دهد.

اکنون پنهان کاری و تبلیغات سه روزه سران و مقامات حقوق اسلامی و رسانه هایشان در قبال فاجعه هواپیمای مسافربری، افکار عمومی را به شدت تکان داده است. علاوه بر اعتراض دانشجویان و مردم در شهرهای مختلف ایران، بسیاری از هنرمندان سینما، موسیقی، تئاتر، ورزشکاران و ... از حضور در جشنواره های مختلف، به ویژه جشنواره فجر، مشاغل دولتی و مسابقات کناره گیری کرده اند. حتی برخی از هنرمندانی که به هلاکت رسیدن قاسم سلیمانی، پاسداری که دستانش نه تنها به خون مردم ایران، بلکه به خون مردم سوریه، لبنان، عراق، افغانستان، یمن و ... آلوده بود پیام هم دردی فرستاده بودند اکنون با مردم هم دردی کرده اند یک گام به پیش است. در حالی که اگر روشنفکری، نویسندگی و هنرمندی وار دبازی های سیاسی حکومت شود دیگر هنرمندی مستقل و مردم نیست، بلکه به سیاست های و جنایت حاکمیت آلوده می شود.

اعتراضات در ایران به شلیک پدافند سپاه به هواپیمای مسافری و پنهان کاری حکومت ادامه دارد. در حالی که شهرهای مختلف ایران با وجود حضور سنگین نیروهای امنیتی محل برپائی تجمعات بودند، بر شمار تشکل های کارگری و هنرمندانی که از جشنواره های فجر، کنسرت ها و اجراهای هنری دیگر صرف نظر کرده اند نیز افزوده شده است.



۱۲۵ مستندساز ایرانی با انتشار بیانیه مشترکی، ضمن ابراز هم دردی با خانواده های داغ دار و آسیب دیده اعتراض های آنان، نوشتند که ما «اعلام می کنیم که نه تنها چشم بر روی واقعیت های امروز سرزمین مان نمی بندیم که در کنار مردم و دوش به دوش آن ها روایت خود را از آن چه بر ما گذشت ثبت و حفظ خواهیم کرد؛ روایت جان به لب رسیدن از غم نان، روایت کشته شدگان بی تدفین و بی مزار و زندانیان بی نام و بی نشان که هر کدام شان کسی از ما هستند.»

محمد رسول اف، جعفر پناهی، رخشان بنی اعتماد، بهمن کیارستمی و مهوش شیخ الاسلامی از امضاء کنندگان این بیانیه بودند.

رخشان بنی اعتماد، فلم ساز، نخستین هنرمندی بود که پس از اعلام شلیک پدافند سپاه به هواپیمای مسافری، در پیامی تویتری مردم را به تجمع در میدان آزادی در پاسداری از «حرمت داغداران این اقتضاح سخت» دعوت کرد. او ساعاتی بعد خبر داد که به دلیل تهدیدهای امنیتی، دعوت خود را پس می گیرد.

رخشان بنی اعتماد برای هم دردی با خانواده جان باختگان فاجعه هواپیمای اوکراینی با انتشار فراخوانی از مردم خواسته بود برای «پایان دادن به جنگ افروزی» در میدان آزادی تجمع کنند، اما پس از آن که مأموران اعتراضات مردمی در تهران را به خشونت کشاندند، بنی اعتماد فراخوان خود را پس گرفت. شبکه افق وابسته به سپاه پاسداران از زبان فردی که به عنوان استادیار دانشگاه تهران معرفی شد، این کارگردان سینمای اجتماعی ایران و دخترش، باران کوثری، از بازیگران شناخته شده را به «تجاوز جنسی» تهدید کرد. بنی اعتماد به کنایه «انتقام سخت» را به «اقتضاح سخت» تعبیر کرده بود.

انجمن مستندسازان سینمای ایران در نامه ای خطاب به رئیس سازمان صدا و سیما خواستار عذرخواهی رسمی این سازمان از جامعه هنرمندان و مردم ایران شد. مستندسازان این پرسش را مطرح کرده اند که «آیا نمی شود پایان و نهایی برای این بی احترامی ها به شان و حقوق مردم در صدا و سیما متصور بود؟»

و سپس در ادامه خطاب به رئیس صدا و سیما نوشته اند:

«بانو رخشان بنی اعتماد از مفاخر فرهنگ و هنر این سرزمین و از پیشکسوتان به نام انجمن مستندسازان سینمای ایران است. ما هر چند به رویه جاری و ساری در برنامه سازی های جانب دارانه در شبکه مذکور عادت کرده و به آن

وقعی نمی‌نهم اما این اهانت آشکار به شان یکی از اعضای خود را بر نمی‌تابیم و درخواست برخورد جدی با متخلفین و عذرخواهی رسمی جنابعالی از جامعه هنری و مردم ایران را داریم.» شبکه افق که از اسفند ۹۳ فعالیت خود را آغاز کرده به سازمان هنری و رسانه ای اوج که زیر نظر سپاه پاسداران اداره می‌شود تعلق دارد.

در برنامه دیگری در شبکه افق، خانمی با حجاب اسلامی کامل مقابل دوربین می‌گوید مردم ایران یک زندگی سلحشورانه را برگزیده‌اند. اگر کسی به این شیوه زندگی اعتقاد ندارد، و خواهان رفاه است می‌تواند از کشور خارج شود. برخی کاربران در شبکه‌های اجتماعی پخش این سخنان را به تلاش سپاه پاسداران به مصادره ایران تعبیر کرده‌اند و این پرسش را در میان آورده‌اند که آیا واقعا گروهی گمان می‌کنند ایران را در تملک خود درآورده‌اند؟



هم چنین در خبرها آمده است که رخشان بنی‌اعتماد، کارگردان مشهور سینما و همسرش جهانگیر کوثری تهیه‌کننده و مجری شناخته شده سینما به همراه آزاده موسوی مستند ساز از جمله سینماگرانی هستند که برای چند ساعت بازداشت و بازجویی شدند.

جمع دیگری از هنرمندان نیز با بازماندگان فاجعه اعلام هم‌دردی کرده و خواهان پیگیری و شفاف‌سازی بیش‌تر شده‌اند. سید علی صالحی، نیکی کریمی، منیژه حکمت، بهمن فرمان‌آرا، ته‌مین میلانی، شهره سلطانی، ماهیا پتروسیان، تعدادی از هنرمندان از شرکت در جشنواره فجر انصراف دادند از جمله فاطمه معتمدآریا، افسانه ماهیان، نغمه ثمنی، سعید چنگیزیان، شیوا فلاحتی، منوچهر شجاع، محمدرضا جدیدی، بهروز سیفی، مریم دیهول، امیر پیهر تقی‌لو، روزان کردنژاد، مهدی صفرزاده خانیکی، امیراحمد قزوینی، رومین محتشم، سیف‌اله صمدیان، کیارنگ علانی و شهریار توکلی، مهدی راکتی کارگردان تئاتر، امین امیری، سمانه زندی‌نژاد، نورالدین حیدری ماهر، امین طباطبائی، آرش دادگر، میثم عبدی، علیرضا کوشک جلالی، نغمه ثمنی، شیرین صمدی، آتیلا پسیانی و تعداد دیگری از هنرمندان در میان این جمع هستند.

شهرام لاسمی بازیگر نقش «قلقلی» برنامه‌های کودک و نوجوان در تلویزیون ایران با انتشار مطلبی در اینستاگرام شخصی‌اش از استعفای خود پس از «۳۰ سال خدمت» خبر داد.

شورای عالی خانه هنرمندان ایران با ابراز تأسف و تسلیت برای مرگ مسافران بی‌گناه پرواز تهران کی‌یف، خواستار معرفی مقصران این حادثه و حوادث چند ماهه اخیر شد. در متن این پیام آمده است: «امید و انتظار آن می‌رود که مقصران این حادثه ناگوار و نیز آن‌چه در حوادث تلخ چند ماهه اخیر کشور واقع شده و متأسفانه همواره با پنهان‌کاری، بی‌توجهی به احساسات عمومی و عدم صداقت و اطلاع‌رسانی شفاف و به موقع همراه بوده است، معرفی شده و پاسخ‌گو باشند.»

روزهای شنبه ۱۱ و یکشنبه ۱۲ ژانویه ۲۰۲۰، مسعود کیمیائی، کارگردان، و نیز شماری دیگر از بازیگران، گروه‌های تئاتری، داوران و دیگر کسانی که قرار بود در جشنواره‌های فجر حاضر شوند، اعلام انصراف کردند. انصراف‌ها هم چنان ادامه پیدا کرده است.

از جمله مهدی کوشکی، طراح و نویسنده و کارگردان نمایش «شک» گفته به جشنواره نمی‌رود: «اکنون در مقابل صورت غمگین کشور و این قلب‌های شکسته، علاقه‌ای به شرکت در این جشنواره ندارم و با هم دلی تمام اعضای گروه نمایش «شک» از جشنواره تئاتر فجر و این رویداد کنارگیری می‌کنیم.»

پگاه آهنگرانی، بازیگر، که گفته «با وجود این همه مصیبت که در ایام اخیر کام ما مردم را تلخ کرده، با دیگر دوستان و همکارانم همراه می‌شوم و در جشنواره فجر با هیچ عنوانی حضور پیدا نمی‌کنم.»

سارا بهرامی، دیگر هنرپیشه، نیز سخنان مشابهی را در اینستاگرام خود منتشر کرده است.

شمار زیادی از کارتون‌نویست‌های ایران با انتشار بیانیه‌ای به نشانه اعتراض ضمن انصراف از حضور در جشنواره هنری فجر امسال خواستار اعلام عزای عمومی و برپائی بزرگداشت برای جان باختگان وقایع اخیر در این کشور از جمله اعتراضات و قربانیان پرواز ۷۵۲ اوکراین در تهران شدند.

در این بیانیه که با امضای بیش از ۴۰ کارتون‌نویست ایرانی در صفحه اینستاگرام خود به اشتراک گذاشته‌اند، آمده است: «ما جمعی از اهالی هنر این مرز و بوم، خواستار روشن شدن علل واقعی این فجایع و استعفا و محاکمه خاطیان از خرد تا کلان، برگزاری مراسم باشکوه برای درگذشتگان و اعلام عزای عمومی هستیم و همراه و همگام با مردم دردمند خود، بر این خواسته خود پای می‌فشاریم.»

این هنرمندان، از مسئولان کشورشان خواسته‌اند تا «اجازه دهند مردم خود به جای خود سخن بگویند و کسی نقش ذهن و زبان آن‌ها را برعهده نگیرد.»

در ادامه این بیانیه آمده است: «هم‌چنین اعتقاد داریم حال که در همراهی با آسیب‌دیدگان و داغداران حوادث اخیر، دبیر و داوران بخش‌های مختلف جشنواره فجر، از حضور در این رویداد، کناره گرفته‌اند، به نظر می‌رسد کمترین اعتراض، عدم حضور در این جشنواره است. بر این اساس، ما جمعی از هنرمندان ایران ضمن اعتراض به رخدادهای اخیر، عدم حضور خود را در جشنواره فجر اعلام می‌کنیم.»

هم‌چنین در بیانیه مشترک این هنرمندان، تاکید شده است: «یقیناً استمرار این وضعیت، مردم را در حصر بغض، نگرانی و وحشت نگاه خواهد داشت؛ راه حل برون رفت از این وضعیت، فقط و فقط تصمیم قاطع و اقدام برای سخن گفتن صریح مسئولان با مردم و دوری از تکذیب و فرافکنی (مشخصاً در حادثه هواپیمائی اوکراین) است.»

گروه کر شهر تهران که یکی از اعضای خود را در پرواز تهران - کنیف از دست داده، اعلام کرده است اجرای خود را لغو کرده است.

آرش تنهائی، سردبیر مجله آنگاه و دبیر بخش پوستر جشنواره فجر از شرکت در این دوره جشنواره انصراف داده است.

گروه تئاتر کوانتوم، پایگاه خبری سینمافا، گروه نمایش وقتی بزرگ تر بودم، گروه نمایش پروانه الجرابی از حضور در این جشنواره انصراف دادند.

ترانه علیدوستی: ما شهروند نیستیم، اسیریم؛ ترانه علیدوستی در اینستاگرام: مدت‌ها با این خیال جنگیدیم و نخواستم بپذیریم؛ ما شهروند نیستیم. هیچ‌وقت نبودیم. ما اسیریم. میلیون‌ها اسیر.

مسعود کیمیائی، کارگردان، با بیان این که «روزی نیست که خبرهای بد نشنوم» از شرکت در این جشنواره فلم، انصراف داد.

بر اساس گزارش سینما دلی، یک شنبه ۱۲ ژانویه ۲۰۲۰، فلم «خون شد» مسعود کیمیائی برای حضور در بخش مسابقه سی و هشتمین جشنواره فلم فجر انتخاب شده است اما این کارگردان با انتشار ویدیویی در شبکه های مجازی اعلام کرد که از شرکت در جشنواره فجر «انصراف» می دهد.

به گفته کیمیائی، در حال حاضر مردم «روزگار سختی» را می گذرانند و روزی نیست که «خبرهای بد» شنیده نشود. این کارگردان، عدم نمایش فلمش در جشنواره فجر را خواستار شد و دلیل آن را «تسلیتی که به این همه آدم دارم. مردمی که مسافر بودند»، عنوان کرد.

پیش از این، داریوش مهرجویی که فلم «لامینور» را در این جشنواره شرکت داده بود نیز انصراف خود از شرکت در جشنواره فجر را اعلام کرده بود.

از مشهد، سه گروه نمایشی «آدیداس»، «جانی سکیکی»، و «خدای جنگ» که از این شهر به سی و هشتمین جشنواره تئاتر فجر راه یافته بودند و شامل یک صد نفر از هنرمندان فعال تئاتر می شوند، در ابراز هم دردی با مردم داغیده ایران از حضور در جشنواره انصراف دادند.

همزمان با اعلام انصراف این هنرمندان، دبیران و داوران بخش های مختلف جشنواره هنرهای تجسمی فجر نیز از همکاری با این جشنواره انصراف دادند.

در بیانیه هیأت داوران بخش عکس جشنواره تجسمی فجر آمده است: «ضمن تشکر از عکاسان شرکت کننده، تأثر و هم دلی عمیق خود را با مردم داغدار ایران اعلام می کنیم، چرا که همواره و در هر شرایطی مسائل انسانی بر فعالیت های هنری ارجحیت دارد.»

آن ها در بخشی از این بیانیه نوشته اند: «واقعیت این است که درست نمی دانیم این انصراف از حضور، چه قدر برای مدیران فرهنگی کشور مهم هست یا نیست، اما چیزی که بیش از این ها اهمیت دارد درد جانکاهی است که کشور عزیز و ملت شریف ایران را فرا گرفته و شاید با همین اقدام هم دردانه به اندازه خود و نه بیش تر، تسلا قلب داغیده مردم مان باشیم. چه این که دیگر توانی در روحیه ما برای حضور در این جشنواره و فعلا هیچ جشنواره ای نمانده است.»

میترا ابراهیمی، کارگردان مستند «کامی» از شرکت اولین فلم خود در جشنواره فلم فجر صرف نظر کرد. وی در صفحه اینستاگرام شخصی خود نوشت: «این که اولین فلمت به اکران مهم ترین جشنواره کشورت برسد شاید آرزو باشد اما انسان سوگوار آرزو ندارد.»

از میان بازیگران تئاتر، امیراحمد قزوینی بازیگری که به خاطر بازی در «ماجرای نیمروز» شناخته شده، از جشنواره تئاتر فجر انصراف داد. او که قرار بود در نمایش «پروانه الجزایری» حضور پیدا کند، در بیانیه انصراف خود نوشت: «می دانم غیبت این بنده حقیر هیچ تأثیری در شهوت تندیس خواهی خیلی از رفقا نمی گذارد. به حرمت چشمان معصوم «راستین» و «ری را» من که نمی توانم، حداقل امسال را نمی توانم، شما اگر می توانید خوشا به حال تان.»

وب سایت کافه سینما که در سال های اخیر اخبار جشنواره فجر را پوشش می داد در بیانیه ای ضمن ابراز تسلیت، اعلام کرد که در جشنواره امسال و سالن رسانه هایش حضور پیدا نمی کند. البته کافه سینما، دلیل این انصراف را شیوه تصمیم گیری و مسیر حرکت جشنواره فجر عنوان کرده است.

صبح شنبه پس از اعلام رسمی علت سقوط پرواز ۷۵۲، کانون فلم نامه نویسان سینمای ایران در بیانیه ای خواستار «رسیدگی فوری، پاسخ گویی و محاکمه عاملان اتفاق و مقصران اطلاع رسانی دیر هنگام به مردم ایران» شدند.

فلم نامه نویسان ایرانی در این بیانیه نوشتند: «آرزو داشتیم تماشای آن چه می نویسیم و روی پرده نقش می بندد، بتواند روشن گر و التیام بخش زخم مردمی باشد که سال هائی سخت را پشت سر می گذارند. افسوس؛ که سینما هنر لحظه نیست.»

«سقوط در کوه مورگان» به کارگردانی منیژه محامدی، «فرانکشتاین» به کارگردانی ایمان افشاریان، «چنور» به کارگردانی قطب الدین صادقی و ۲۰ نمایش دیگر از جمله برنامه هائی هستند که در همبستگی عوامل نمایش با سوگ مردم اجرا خواهند شد.

منیژه محامدی به ایسا گفته است: «دوست داریم که هم دردی خود را به این شیوه با هموطنان مان نشان دهیم. بویژه این که نمایش ما لب خند کمرنگی هم بر لب تماشاگر می آورد و فکر می کنیم مردم ما این روزها حال چندان خوشی ندارند که بتوانند لبخندی به لب بیاورند. بنابراین با این که در مدت اجرای مان با چندین تعطیلی رو به رو بوده ایم، ترجیح دادیم امشب هم در کنار مردم باشیم و روی صحنه نرویم.»

پگاه آهنگرانی اعلام کرد او نیز مانند دوستانش در جشنواره فلم فجر شرکت نمی کند.

سارا بهرامی هم با انتشار متنی در اینستاگرام انصراف خود را اعلام کرد.

امیر نجفی، کارگردان نمایش «مشق شب» اعلام کرد شرکت در جشن «عزاواره»ی فجر یک «خطای انسانی» عظیم است. «خطای انسانی» عبارتی است که در توجیه بی کفایتی هائی که به سقوط اوکراین انجامید، به زبان و بیان مسؤولان راه یافت.

صابر ابر از اجرای نمایش «همان چهار دقیقه» و مهدی کوشکی از اجرای نمایش «شک» در جشنواره تأثر فجر انصراف دادند.

امیر مهدی ژوله، از بازیگران نمایش «یک ساعت آرامش» اعلام کرد دل و دماغی برای شرکت در جشنواره حکومتی باقی نمانده است.

سمانه زندی نژاد نیز نمایش «آن دیگری» را از برنامه های تأثر فجر خارج کرد و درباره تصمیم خود نوشت صحنه های اعتراضات که اکنون در خیابان های شهرهای سراسر ایران رقم می خورد، از هر اجرائی در سالن های کوچک تأثر قدرتمندتر است.

کیوان ساکت، نوازنده اعلام کرد که به نشانه هم دلی با مردم در هیچ یک از برنامه های جشنواره فجر نه به عنوان هنرمند، نه به عنوان داور و نه به عنوان مدعو حضور نخواهد یافت.

کیاوش صاحب نسق، حسام اینانلو، مانی جعفرزاده و هانا کامکار هم از شرکت در جشنواره موسیقی فجر انصراف دادند.

علیرضا عصار هم کنسرت دی ماه خود را به نشانه هم دلی با مردم لغو کرد.

امیر احمد قزوینی در متن کوتاهی در اینستاگرام خود، نوشته است: «من امیر احمد قزوینی با همین ته مانده عواطف انسانی ام از بازی در نمایش «پروانه الجزایری» برای اجرا در جشنواره فجر انصراف می دم.» وی در ادامه با اشاره به نام دو کودک جان باخته هواپیمای اوکراینی نوشته است: «به حرمت چشمان معصوم «راستین» و «ری را» من که نمی توانم، حداقل امسال را نمی توانم، شما اگر می توانید خوشا به حال تان.»

ابراهیم حقیقی، دبیر جشنواره هنرهای تجسمی فجر نیز در اینستاگرام خود خبر استعفای خود را به عنوان دبیری این جشنواره اعلام کرد. او نوشت به دلیل فضای دروغ و تلخی این روزها از مقام خود کناره می گیرد: «با چشم اشک بار و رنج غم بار از دست رفتن هم وطنان و فرزندان بلندقامت مان و با روحی آزرده، من هم بی یاری شما، فضای تلخ کامی و دروغ، ناتوانم از برگزاری جشنواره ای که قرار بود نشان شادمانی باشد و پیوند. چراکه شادمان نیستیم و نیستیم.»

هیأت داوران بخش گرافیک جشنواره تئاتر فجر نیز از حضور در جشنواره فجر کناره گیری کردند. آن ها در پیام اینستاگرامی خود نوشته اند به احترام روح درگذشتگان فجایع اخیر از شرکت در جشنواره انصراف می دهند: «رنج از حد توان مان افزون شده! در شرایط فعلی نه تاب ادامه دادن داریم و نه توان خاموش نگریستن. از این رو ما دبیر و داوران بخش گرافیک جشنواره فجر، با احترام به روح درگذشتگان فجایع اخیر و با پوزش از کسانی که در این جشنواره شرکت کرده اند، انصراف خود را از ادامه همکاری در این جشنواره اعلام کرده، آرزوی روزهای بهتری برای ایران عزیزمان داریم.»

داوران عکاسی جشنواره تجسمی فجر نیز انصراف خود را در اینستاگرام منتشر کردند. کیانرنگ علایی، یکی از داوران در صفحه اینستاگرام خود نوشته است: «در هم دلی با قربانیان فاجعه اخیر و درک شرایط اجتماعی و حال عمومی جامعه انسانی و فرهنگی، ما، دبیر و هیأت داوران بخش عکس دوازدهمین جشنواره تجسمی فجر... از ادامه همکاری با این رویداد معذوریم.»

پیمان معادی، بازیگر مطرح سینما نیز از حضور در جشنواره فلم فجر انصراف داد: «همه سیاه پوشیم و عزادار. دل هایمان شکسته. من با کدام دل شاد بروم جشنواره که جشن بگیرم؟! نمی توانم. من بازیگرم و تار و پودم را مردم سرزمینم بهم بافته اند، سرزمینی که داغ زیباترین فرزندان را به سوگ نشسته است.. جشنواره باشد برای روزهایی روشن که بتوانیم همه با هم زندگی را و عشق را، براستی جشن بگیریم.»



شهرام مکرری، فلم ساز نیز در متنی در اینستاگرام خود در تاریخ ۲۳ دی ماه اعلام کرد اگرچه پیش از این از حضور آخرین ساخته اش در جشنواره انصراف داده با این حال امروز اعلام می کند که از حضورش به عنوان تماشاگر جشنواره نیز انصراف خواهد داد.

شهرام مکرری، کارگردان فلم «جنایت بی دقت» در تاریخ چهارم آذر ماه اعلام کرده بود که در جشنواره فلم فجر امسال شرکت نخواهد کرد که تهیه کننده فلم نیز پذیرفته بود. مکرری در اینستاگرام خود نوشته: «امروز برای احترام به خانواده ها و جامعه داغدار ایران، هم سو با سایر همکارانم از ته مانده حضورم در جشنواره فلم فجر به عنوان تماشاگر هم اعلام انصراف می کنم.»

هومن سیدی، بازیگر مطرح سینما از داوری جشنواره فلم فجر انصراف داد. این خبر را «پارسینما» اعلام کرده که سیدی از داوری بخش سودای سیمرغ این دوره از جشنواره کناره گرفته است.

میترا ابراهیمی، کارگردان مستند «کامی» نیز در پیامی اعلام کرد در جشنواره فلم مستند فجر امسال شرکت نخواهد کرد.

بیش از ۶۰ نمایش از اجرا در جشنواره تئاتر فجر که همه سال از تاریخ ۱۰ تا ۲۰ بهمن ماه برگزار می شود انصراف داده اند. همگی این نمایش ها از مدت ها پیش تمرینات خود را برای حضور در جشنواره آغاز کرده بودند. کارگردان های مانند آتیلا پسیانی، صابر ابر، حسن معجونی، افسانه ماهیان و نغمه ثمنی، نمایشنامه نویس در پیام های جداگانه انصراف خود را اعلام کردند.

از جمله نمایش های که از اجرا در جشنواره فجر با انتشار متن های انصراف داده اند نمایش های «در اتاق باد می وزد» به کارگردانی سجاد تابش، «همان چهار دقیقه» به کارگردانی صابر ابر، «آواز قو» به کارگردانی پریزاد سیف، «مکبث» به کارگردانی آرش دادگر، «آن دیگری» به کارگردانی سمانه زندی نژاد، «من» به کارگردانی سیلوش پاکراه، «بیوه سیاه بیوه سفید» به کارگردانی حسن جودکی، «مشق شب» به کارگردانی امیر نجفی، «قصر موروئی خاندان فرانکشتاین» به کارگردانی آتیلا پسیانی، «شک» به کارگردانی مهدی کوشکی، «پروانه الجزیرای» به کارگردانی سعید حسن لو، «روایت فرزانه از جمعه ۱۴ آبان» به کارگردانی محمدحسین زیکساری، «بیچه» به کارگردانی افسانه ماهیان، «آقای اشمیت کیه؟» به کارگردانی سهراب سلیمی، «آشپزخانه» به کارگردانی حسن معجونی، «من یه زنم صدام رو میشنوی؟» به کارگردانی کاملیا غزلی، «ملکوت» به کارگردانی رامتین رشوند، «سقوط در کوه مورگان» به کارگردانی منیژه محامدی، «سه تفنگ دار و یکی» به کارگردانی مهدی شاه حسینی، «پونز» به کارگردانی صحرا فتحی، «فراکتال» به کارگردانی مهدی سقا، «ولین» به کارگردانی مهدی کوشکی، «بیگانه در خانه» به کارگردانی محمد مساوات، «سمفونی کوچک سکوت» به کارگردانی سینا راستگو، «جان و جو» به کارگردانی محمدرضا چرخاب، «مسکو فلکه باغشاه» به کارگردانی عطا کشاورز جود، «شصت دقیقه منهای یک به کارگردان سعید عسگریا، «دزدان شماره ۴۳» به کارگردانی شاهین صادقیان، «فرانکشتاین» به کارگردانی ایمان افشاریان، «سوگلی» به کارگردانی نگار چگنی، «پاتوق» به کارگردانی مهدی پاشائی «ماسک» به کارگردانی بهزاد اقطاعی، «مدرسه پینوکیو» به کارگردانی آرش سنجابی «وضعیت شماره دو» به کارگردانی رامین اکبری، «نیم فاصله» به کارگردانی رضا رشادت، «جنايات قلب» به کارگردانی دلارا نوشین، «گر» به کارگردانی فریدون ولانی. آرش دادگر، کارگردان نمایش «مکبث» در متن انصراف خود نوشته است: «کجا می توانیم جایی را سرزمین مادری بنامیم که گورستان ماست؟»

بنا بر گزارش ها از ایران لیلی گلستان، مدیر گالری گلستان، نیز اعلام کرده از حضور در دوازدهمین جشنواره هنرهای تجسمی فجر انصراف داده است.

شهرام ناظری، علیرضا عصار و علیرضا قربانی که در این روزها کنسرت موسیقی دارد، برنامه شان را لغو کرده اند. شهرام ناظری که قرار بود در تاریخ های ۲۵، ۲۶ و ۲۷ و سی دی ماه در اصفهان، شهرکرد و تهران اجرای موسیقی داشته باشد نیز در پیامی کنسرت های خود را لغو کرد. او در کانال تلگرامی خود نوشت: «حادثه دردناک هواپیمای کام همه را تلخ و قلب مرا هم جریحه دار کرده است، به همین جهت به منظور هم دردی و همبستگی با مردم نازنین کشورم کلیه برنامه هایم را لغو کردم.»

علیرضا عصار، خواننده با سابقه موسیقی پاپ که قرار بود در روزهای ۲۴ و ۲۵ دی ماه در تالار وزارت کشور اجرا داشته باشد با انتشار ویدیویی از لغو اجراهایش خبر داد: «این کمترین کاری است که برای اعلام هم دري با مردم نازنینم که همگی عزادار هستیم برمی آید.» به گفته او گروهش «سه ماه» در حال تمرین برای این اجراها بودند. روز یکشنبه ارکستر آرکو به رهبری ابراهیم لطفی، اعلام کرد از شرکت در جشنواره موسیقی فجر انصراف داده است.

کیوان ساکت، نوازنده تار و سه تار و هانا کامکار، خواننده و نوازنده، علی قمصری، آهنگ ساز و نوازنده در اینستاگرام خود نوشتند: «به نشانه هم دلی با مردم داغدار و ستم دیده سرزمین امسال در هیچ جشنواره هنری فجر حضور پیدا نخواهم کرد نه به عنوان هنرمند نه در مقام داور یا کارشناس مدعو و نه در نقش مخاطب و بیننده هیچ یک از آثار.»

علیرضا قربانی، خواننده موسیقی سنتی ایران، ۲۲ دی ماه اعلام کرد در هم دردی با خانواده های جان باختگان سقوط هواپیمای اوکراینی، از اجرای کنسرت دی ماه در تهران انصراف می دهد. قطب الدین صادقی، از چهره های شناخته شده، از اجرای نمایش «چنور» در تالار چهارسو در روز یکشنبه صرف نظر کرد.

کارن همایونفر، موسیقی دان و آهنگ ساز ساکن ایران، در پستی که در صفحه اینستاگرام خود منتشر کرده، نوشته است: یک جنایت علیه انسان ها... یک جنایت جنگی... دولت بزرگ ترین دروغ تاریخ را تحویل ملت داد. در بخشی از پست کارن همایونفر در واکنش به روشن شدن علت واقعی سقوط هواپیمای اوکراینی، که شلیک پدافند راکتی سپاه پاسداران بود، آمده است: «منتظریم از پائین ترین تا بالاترین سطح این دروغ و جنایت جنگی محاکمه شوند. چه در سطح رسانه ها، چه در سطح مسئولین. اعتراف به دروغ هم چیزی از جرم تان کم نخواهد کرد. مسئولین با کفایت! حتما فهمیده اند خسارتی که زدند از حمله اتمی به ایران و باورهای مردم هولناک تر بود. مگر نمی گفتید دروغ ام الفساد است؟»



۷۸ روزنامه نگار با انتشار بیانیه جمعی در مورد عملکرد رسانه ها در حادثه سرنگونی هواپیما نوشته اند: «ما نیز از دروغ خسته ایم.»

در این بیانیه آمده است: حادثه سقوط هواپیمای اوکراینی همه ما روزنامه نگاران را مانند همه قشرها و گروه های اجتماعی در سوگی بی پایان فروبرد. آرزوی قلبی ما این بود که عامل بروز این حادثه چیزی دیگری می بود اما حسرتا که آن چه این روزها بر ما می رود فقط بر حیرت و خشم مان می افزاید.

شلیک به هواپیمای مسافربری با نام مبارزه با دشمن خارجی، به هیچ وجه قابل قبول و پذیرفتنی نیست. پدران و مادران چشم انتظار! جان باختگان این فاجعه، عزیزان شما و نیز عزیزان ما هستند. فرزندان شما، فرزندان این مرز و بوم و نیز فرزندان انسانیت اند. ما نیز از شنیدن این همه دروغ از رسانه های رسمی خسته ایم و متأسفیم که تمامی روزنامه ها هماهنگ با «رسانه ملی» و بدون تحقیق و بررسی جوانب واقعه، به تکرار یک دروغ بزرگ اقدام کردند و افشای واقعیت چیزی جز شرمساری و رسوائی برای آن ها در بر نداشت.

ما روزنامه نگاران در کنار خانواده های قربانیان حادثه، خواستار محاکمه‌ی جدی همه عاملان و آمران حادثه مرگ بار سقوط هواپیما هستیم و از تقلیل دادن این خطای مرگ بار به خطای فقط یک فرد اعلام انزجار می کنیم.

ما به پدرها و مادرهای گریان، به همسران عزیز از دست داده و به فرزندان سوگوار می گوئیم با تمام وجود و از صمیم قلب در کنار آن ها هستیم و امیدواریم ساختار رسانه ای کشور از چنان شفافیت، آزادی بیان و پاسخ گوئی برخوردار شود تا مقابل هر حادثه این گونه دست بسته و دهان بسته نباشد.

صبا راد، مجری برنامه معروف «به خانه برمی گردیم» است که پس از ۲۱ سال سابقه همکاری با صداوسیما در مقام مجری و نویسنده در صفحه اینستاگرام خود اعلام کرد دیگر قادر به همکاری با این رسانه نیست: «این روزها می خواهیم دل مان گرم شود نه سرما ... ضمن تشکر از حمایت های بی وقفه شما مردم عزیز در تمام سال های فعالیت، از این طریق اعلام می کنم پس از ۲۱ سال کار در رادیو و تلویزیون، قادر به ادامه فعالیت در رسانه نیستم. دیگر نمی توانم ...»

زهره خاتمی راد، مجری جوان برنامه «سیمای خانواده» نیز در روز ۲۱ دی ماه با نوشته ای در اینستاگرام اعلام کرد که دیگر در تلویزیون کار نخواهد کرد و از مخاطبانش حلاوت طلبید: «مردم سلام ممنونم که تا امروز منو به عنوان مجری پذیرفتید. دیگه هرگز به تلویزیون باز نخواهم گشت حلال کنید.»

سجاد تابش، کارگردان جوان نتاثر که قرار بود با نمایش «در اتاق باد می وزد» در جشنواره فجر حضور داشته باشد، در اینستاگرام خود با اعلام انصرافش از اجرا در جشنواره نتاثر فجر نوشت: «نمی توانم سکوت کنم و حرفی نزنم. پس تنها کاری که می توانم انجام دهم این است که همین جا انصراف خودم از جشنواره ای که نامش فجر است و حالم با اسمش هم خوب نیست را اطلاع رسانی کنم.»

این کارگردان در ابتدای پست اینستاگرامی خود درباره نمایشش نوشته است: «قرار بود نمایش «در اتاق باد می وزد» را در بخش گفت و گوی نسل های جشنواره نتاثر فجر اجرا کنیم و مبلغ بیست تا سی میلیون تومان کمک هزینه دریافت کنیم تا به زخمی که از اجرای عمومی خوردیم بزنیم و بین عواملی که پولی عایدشان نشد - مثل خودم - تقسیم کنیم. امروز حالم از بس بد بود که حتی در همین صفحه بدبیراهی نوشتم که دوستانم با زنگ و پیام دل سوزانه تشویق کردند گزینه دلیلت را فقط و فقط برای پیش گیری از عواقب احتمالی لمس کنم.»

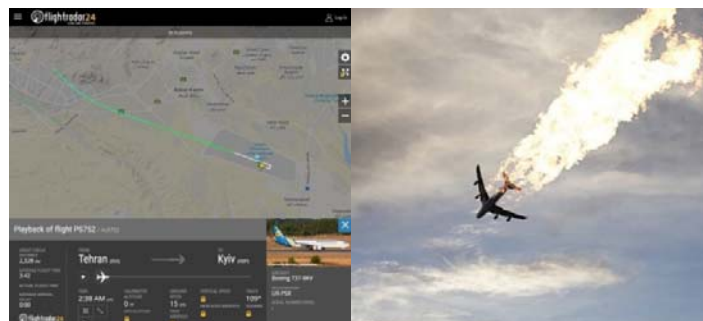
در این نمایش «فرشته صدر عرفائی»، بازیگر مطرح سینما و «سارا محمدی» بازی می کنند. یک بازیگر جوان سینما و نتاثر ایران نیز با نام «امیر احمد قزوینی» در اینستاگرام خود خبر داده که از بازی در نمایشی برای جشنواره نتاثر فجر انصراف خواهد داد. او بازیگر اصلی نمایش «پروانه الجزایری» به کارگردانی سعید حسنلو است.

یک بازیگر رادیو و تلویزیون به نام شهرام لاسمی روز ۲۲ دی ماه اعلام کردند که از همکاری با رادیو استعفا داده اند. شهرام لاسمی که با بازی در نقش «قلقلی» در برنامه های کودک معروف شده بود، در متنی در اینستاگرام خود اعلام کرد پس از ۳۳ سال کار در صداوسیما در روز ۲۲ دی ماه برای همیشه از این رسانه خداحافظی کرده است.

علی اکبری، گوینده رادیو در متنی در اینستاگرام خود با اعلام استعفا خود نوشت: «دوستان، همکاران، شنوندگان رادیو این جا تهران است ولی صدا، صدای شما مردم ایران نیست.»

حمید رسائی، نماینده سابق دو دوره مجلس و مدیر مسؤول هفته نام «۹ دی» در توئیتر خود در واکنش به استعفا کارمندان صداوسیما نوشت آن ها «عناصر سست اعتقاد» بوده اند و خطاب به مدیران صداوسیما گفته «خاک بر سرتان اگر مجددا به این افراد آنتن بدهید.»

رسائی در این نوشته مدعی شده که آن ها از سوی صداوسیما پاک سازی شده اند: «الحمد لله پاک سازی صداوسیما توسط عناصر سست اعتقاد آغاز شده تا الان چند مجری و هنرپیشه از پایان همکاری شان خبر داده اند. رشیدپور هم دویپلو حرف زده. ما از این روند حمایت و بقیه عناصرشان را به این اقدام تشویق و خطاب به مدیران سیما می گوئیم که خاک بر سرتان اگر مجددا به این افراد آنتن بدهید.»



کیمیا علیزاده، متولد ۱۹ تیر ۱۳۷۷ در کرج، تکواندوکار است. او در مسابقات جهانی سال ۲۰۱۵ وقتی ۱۷ ساله توانست خانوم جونز قهرمان تکواندو زنان در المپیک لندن را شکست دهد و به مدال برنز این مسابقات در روسیه برسد. بسیار زحمت کشید تا ۸ سال بعد در المپیک ۲۰۱۶ برزیل وقتی ۱۸ ساله بود توانست به عنوان اولین بانوی ایران در المپیک مدال برنز را بدست آورد

در سیل مهاجرت ورزشکاران و نخبگان؛ کیمیا علیزاده هم به همراه همسر خود به هلند مهاجرت کرده و قرار است در المپیک توکیو ۲۰۲۰ زیر پرچم کشور دیگری مبارزه کند

او در مهر ماه ۱۳۹۸ توسط شبکه جهانی بی بی سی یح عنوان یکی از ۱۰۰ زن الهام بخش و تاثیر گذار سال ۲۰۱۹ انتخاب شده بود

حامد معدنچی همسر کیمیا، متولد ۹ آذر ۱۳۶۸ در کرج است، والیبال را از آلومنیوم المهدی شروع کرد تا این که به خاطر مصدومیت مجبور شد از بازی در این رشته خداحافظی کند. او در حال حاضر به عنوان یک مربی در مدرسه والیبال فعالیت می کند.

کیمیا، در نامه ای خطاب به مردم ایرانط از جمله نوشته است:

با سلام آغاز کنم، با خداحافظی یا تسلیت؟

سلام مردم مظلوم ایران، خداحافظ مردم نجیب ایران، تسلیت به شما مردم همیشه داغدار ایران.

«من کیمیا علیزاده، نه تاریخ سازم، نه قهرمانم، نه پرچمدار کاروان ایران»

من یکی از میلیون ها زن سرکوب شده در ایرانم که سال هاست هر طور خواستند بازی ام دادند. هر کجا خواستند بردند. هر چه گفتند پوشیدم. هر جمله ای دستور دادند تکرار کردم. هر زمان صلاح دیدند، مصادره ام کردند. مدال هایم را پای حجاب اجباری گذاشتند و به مدیریت و درایت خودشان نسبت دادند.

من برایشان مهم نبودم. هیچ کدام مان برایشان مهم نیستیم، ما ابزاریم. فقط آن مدال های فلزی اهمیت دارد تا به هر قیمتی که خودشان نرخ گذاشتند از ما بخرند و بهره برداری سیاسی کنند، اما هم زمان برای تحقیرت، می گویند: فضیلت زن این نیست که پاهایش را دراز کند!

علیزاده در بخش دیگری از نوشته اش به ساختار مردسالار و زن ستیز جامعه اشاره کرده و نوشته: «در ذهن های مردسالار و زن ستیزتان، همیشه فکر می کردید کیمیا زن است و زبان ندارد! روح آزاده من در کانال های آلوده

اقتصادی و لابی های تنگ سیاسی شما نمی گنجد. من جز تکواندو، امنیت و زندگی شاد و سالم درخواست دیگری از دنیا ندارم.»

او خطاب به مردم ایران گفته است: «مردم نازنین و داغدار ایران، من نمی خواستم از پله های ترقی که بر پایه فساد و دروغ بنا شده بالا بروم.»

مردم نازنین و داغدار ایران، من نمی خواستم از پله های ترقی که بر پایه فساد و دروغ بنا شده بالا بروم. کسی به اروپا دعوت نکرده و در باغ سبز به رویم باز نشده. اما رنج و سختی غربت را به جان می خرم چون نمی خواستم پای سفره ریاکاری، دروغ، بی عدالتی و چاپلوسی بنشینم. این تصمیم از کسب طلای المپیک هم سخت تر است، اما هر کجا باشم فرزند ایران زمین باقی می مانم. پشت به دل گرمی شما می دهم و جز اعتماد شما در راه سختی که قدم گذاشته ام، خواسته دیگری ندارم.

سارا خادم الشریعه، قهرمان شطرنج، در صفحه شخصی اش در اینستاگرام خبر از استعفا از تیم ملی شطرنج داده است. خادم الشریعه در سال ۱۳۹۴ قهرمان شطرنج زنان ایران شد.

او نخستین شطرنج باز زن ایرانی است که علاوه بر کسب درجه استاد بزرگ زنان در سن ۱۸ سالگی در هشتاد و چهارمین کنگره شطرنج جهان، توانست عنوان استاد بین المللی شطرنج را به دست آورد، عنوانی که پیش از آن، تنها توسط شطرنج بازان مرد ایران کسب شده بود.

سعید معروف کاپیتان سرشناس تیم ملی والیبال مردان ایران که روز یکشنبه به همراه این تیم موفق شد مجوز حضور در المپیک ۲۰۲۰ توکیو را کسب کند در حساب شخصی خود در اینستاگرام نوشته است: «امروز در جان مستاصل و غمگین ما رمق و توانی برای جشن گرفتن این پیروزی و رسیدن به آرزویی که سال ها برایش تلاش کرده بودیم، نیست.»

کاپیتان تیم ملی والیبال در ادامه این پست آورده است: «کاش امید داشتم که این آخرین پرده از نمایش فریب و تزویر و بی خردی این بی کفایتان است که هم چنان می دانم نیست. درین تاریک ترین شب های تاریخ وطن، تمام مردم سر خورده، سرکوب شده، زجر دیده، فقر چشیده و دل شکسته کشورم را با هر قومیت و زبان، به مهرورزی و حمایت و مراقبت از یکدیگر دعوت می کنم. ما جز هم هیچ مامن و پناهگاهی نداریم.»

تیم ملی والیبال ایران روز یکشنبه هفته پیش در فینال مسابقات انتخابی المپیک به مصاف تیم ملی چین رفت و توانست با نتیجه سه بر صفر این تیم را شکست دهد و راهی المپیک توکیو شود که تا چند ماه دیگر آغاز خواهد شد.

وریا غفوری مدافع - هافبک ملی پوش تیم فوتبال استقلال طی یادداشتی در صفحه شخصی خود نوشت: «درد درگذشت سرنشینان هواپیما سخت است. زبان قاصر است تسلیت کم ترین واژه. اما درد انکار حقیقت در این چند روز به مراتب سخت تر بود. کم ترین انتظاری که می ره محاکمه افرادی است که باعث و بانی این اتفاق ناگوار و دردآور بودن. و هم چنین تمام کسانی که در صدا و سیما خیلی شفاف دروغ گفتن و نشر اکاذیب کردن.»

در ماه های اخیر چندین قهرمان ورزشی ایران در اعتراض به فشارهای سیاسی و کمبودها، کشور را ترک کرده اند. سعید ملائی، جودوکار و شهره بیات داور شطرنج ایرانی و علیرضا فیروزجا، نخستین سوپر استاد بزرگ شطرنج ایران از آن جمله اند.

محسن استادعلی، مستندساز ایرانی که جایزه بهترین کارگردانی مستند بلند جشنواره «سینما حقیقت» را به دست آورد در مراسم پایانی این جشنواره جایزه خود را به پویا بختیاری یکی از جان باختگان اعتراضات آبان ماه تقدیم کرد.



تصویر بزرگ: محسن استادعلی، مستندساز. تصویر کوچک: پویا بختیاری، یکی از جان باختگان اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸

مراسم اهدای جوایز جشنواره «سینما حقیقت» شامگاه دوشنبه ۲۵ آذر ۱۳۹۸ در تالار وحدت تهران برگزار شد. در این مراسم جایزه بهترین کارگردانی مستند بلند به محسن استادعلی برای فیلم «خسوف» اهدا شد.

استادعلی خود در مراسم حضور نداشت و به جای او یکی دست‌اندرکاران فلم «خسوف» پیام این کارگردان خواند. محسن استادعلی در این پیام گفت: «مدت زمان زیادی از وقایع آبان ماه نگذشته است. دوربین‌های ما مستندسازان خاموش بود و موبایل‌های جوانان این مرز و بوم روشن. ثبت حقیقت به حضور و دریافت جایزه نیست، به جسارت بودن است در تنگناهای اجتماعی. کاری که مردم به سرانجام رسانیدند و ما نظاره گر. این جایزه تقدیم می‌شود به روح بلند جسورترین دوربین و مستندساز این سرزمین، پویا بختیاری و همه دوربین‌های تا ابد روشن.»

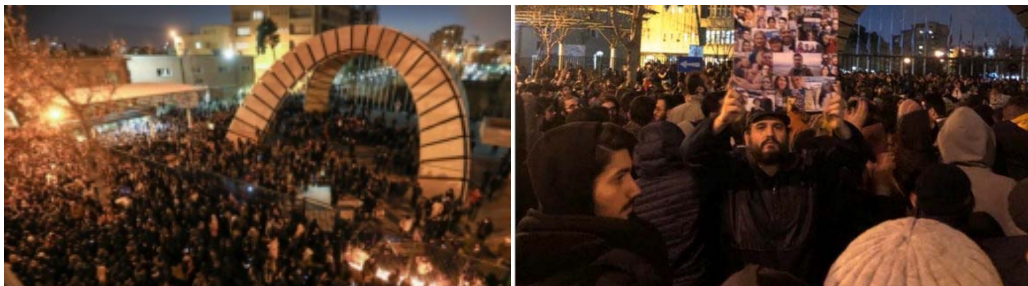
پویا بختیاری ۲۷ ساله روز شنبه ۲۵ آبان، در جریان اعتراضات سراسری به گرانی بنزین در مهرشهر کرج در اثر اصابت گلوله به جمجمه اش مجروح شد و پیش از رسیدن به بیمارستان جان باخت. او پیش از مرگ خود صحنه‌هایی از اعتراضات مردمی را با دوربین موبایل خود ثبت کرد.

پدر او طی یک فراخوان ویدیویی از مردم خواست قربانیان اعتراضات سراسری آبان ۹۸ را فراموش نکنند و در مراسم چهلم پویا و پویاها شرکت نمایند.

اما مأمورین حکومت اسلامی پیش از برگزاری این مراسم، پدر و مادر پویا و هم‌چنین تعدادی از مهمانان آن‌ها را بازداشت کردند و مراسم یاد شده را نیز به شدت سرکوب کردند.

محسن استادعلی در زمینه مسائل اجتماعی فلم می‌سازد. مستندهای «عادت می‌کنیم»، «زن‌انگی»، «دَم صبح» و «جائی برای زندگی» از جمله فلم‌های او در این عرصه هستند که فلم «جائی برای زندگی» جایزه جشنواره فلم فجر را نیز به دست آورده است.

مستند «خسوف» او برای نخستین بار در سیزدهمین جشنواره «سینما حقیقت» نمایش داده شد. این فلم روایتی است از زندگی یک طلبه جوان و مردم که میان طلبگی و فلم‌سازی یارای تصمیم‌گیری ندارد.



جمعیت زیادی از دانشجویان و هزاران تن از مردم تهران مقابل دانشگاه‌های امیرکبیر و صنعتی شریف و میدان آزادی و سایر شهرها و دانشگاه‌های کشور، در اعتراض به اقدام شلیک جنایت کارانه راکت سپاه پاسداران به هواپیمای مسافری و سرنگون ساختن آن بدون این که مسئولیت آن را تا امروز برعهده بگیرند، دست به یک تجمع اعتراضی گسترده زدند و شعارهایی علیه مقامات حکومتی سردادند.

از جمله شعارهایی که در این تجمعات سر داده شدند عبارتند از:

«۱۵۰۰ نفر، کشته آبان ماست»، «سلیمانی قاتله رهبرش هم قاتله»، «بترسید بترسید ما همه با هم هستیم»، «مرگ بر این ولایت - این همه سال جنایت»، «ننگ ما، ننگ ما، رهبر الدنگ ما»، «به من نگو فتنه گر فتنه توئی ستم گر»، «مرگ بر دروغ گو»، «کشته ندادیم که سازش کنیم، رهبر قاتل رو ستایش کنیم»، «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت»، «مرگ بر دیکتاتور»، «فرمانده کل قوا، استعفا، استعفا»، «مایه ننگ ملت؛ سپاه بی کفایت»، «مسئول بی کفایت، استعفا استعفا»، «بی شرف بی شرف»، «توب، تانک، فشفشه، آخوند باید گم بشه» «سپاه جنایت می کنه، رهبر حمایت می کنه»، «خامنه ای قاتله، حکومتش باطله»، «مرگ بر دروغ گو»، «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت»، «استعفا کافی نیست، محاکمه لازم است»، «بسیجی بی غیرت عامل قتل ملت»، «خامنه ای حیا کن مملکت رو رها کن»، «ما بچه های جنگیم، جنگ تا بکنیم»، «رهبر پرادعا، استعفا استعفا»، «ننگ ما ننگ ما، صداوسیما می ما»، «نیروی انتظامی، خاک من خاک تو»، «روحانی حیا کن، مملکتو رها کن» و...

سینمای تحت سلطه حکومت اسلامی ایران، بسیار فاسد است. رد پول های «کثیف» در سینما و تلویزیون حکومت اسلامی ایران، فساد ملی و اخلاقی افسارگسیخته در صنعت فلم و سریال سازی ایران را به سادگی می توان دید. سینما جزئی از هنر است که مقبولیت عام دارد و همواره هم به پول و سرمایه گذاری وابسته بوده است. اما افرادی بوده اند که از این هنر برای دست یابی به منافع اقتصادی خود، سوء استفاده کرده اند. سینمای حکومت اسلامی ایران هم از این قاعده مستثنی نبوده و به ویژه در سال های اخیر شاهد فساد گسترده در هنر هفتم ایران بوده ایم. ارقامی که از جمله از فساد مالی در حوزه هنرهای نمایشی در سینما و تلویزیون مطرح می شود میلیاردی است. این ارقام وقتی قابل تامل می شود که آثار تولیدشده از سوی نهادهای دولتی مورد حمایت قرار می گیرند. یعنی افرادی در نهادهای دولتی پشت پرده برخی پروژه ها قرار دارند که از طریق آن ها میلیاردها تومان پول، که عمدتاً متعلق به بودجه عمومی کشور است، حیف و میل یا پول شوئی می شود. در آخرین مورد موضوع جنجالی فلم «لاله» است، که طرح آن در دولت محمود احمدی نژاد کلید خورد و امروز پس از یک دهه، مجدداً با تزریق حدود سه میلیارد تومان دیگر قرار است آماده اکران شود.

اما ماجرای پروژه لاله چیست؟ اسدالله نیک نژاد، کارگردان فلم سینمایی لاله، در جریان یکی از سفرهای محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری سابق، به نیویورک موافقت او را برای ساخت این فلم جلب کرد. مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، بودجه ۶ و نیم تا ۷ میلیارد تومانی به این فلم اختصاص داد، که اعلام این خبر از سوی جواد شمقدری، معاون وقت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جنجال رسانه ای بسیاری به پا کرد. موج انتقادهای وسیع به سابقه کارگردان این فلم، بودجه تعیین شده برای تولید آن و سوژه فلم که با محوریت زندگی لاله صدیق، قهرمان اتومبیلرانی ایران بود، بالا گرفت. با وجود همه انتقادات، مراحل پیش تولید و سپس تولید این فلم در حالی شروع شد که بسیاری از فلم سازان و مستندسازان کار کشته و جوان به علت نبود بودجه و عدم حمایت های دولتی قادر به فعالیت نبودند. با این حال پس از تغییر دولت و به ویژه مسئولان وزارت ارشاد و سازمان سینمایی، پروژه لاله هم متوقف شد.

نکته قابل تامل این جاست که حالا، سازمان سینمایی بار دیگر دو میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان برای تکمیل آن و فقط برای چند سکانس پایانی اختصاص داده است.

اما جنجالی ترین پروژه ای که هزینه هنگفتی از بودجه عمومی برای ساخت آن پرداخت شد فلم «محمد رسول الله» به کارگردانی مجید مجیدی بود. بودجه این فلم که بزرگترین و پرهزینه ترین فلم تاریخ سینمای ایران به شمار می آید، به طور مستقیم از سوی بنیاد مستضعفان - از نهادهای زیر نظر رهبر، پرداخت شد. ۱۲۰ میلیارد تومان برای ساخت فلمی پرداخت شد که فروش بین المللی و داخلی آن حدود ۳۰ میلیارد تومان اعلام شد. این در حالی بود که سناریوی محمد رسول الله، سیاسی و با نگاهی ضد یهودی نوشته شده بود و با وجود همکاری عوامل کاملاً حرفه ای و شناخته شده جهانی با آن، در هیچ یک از جشنواره های معتبر بین المللی پذیرفته نشد. فلم نامه محمد رسول الله به گونه ای بود که بسیاری از کشورهای اسلامی با محتوای آن درباره پیامبر اسلام مخالف بودند و همین موجب شد در اغلب کشورهای اسلامی اکران نشود. حالا زمزمه هائی آغاز شده است که قرار است بخش های دوم و سوم این فلم، که به مقاطع مختلف زندگی پیامبر اسلام می پردازد نیز ساخته شود؛ اما سؤال این جاست که آیا قرار است باز هم پروژه ای با بودجه ای کلان آغاز شود و بار دیگر از نظر تجاری شکست بخورد؟

ماجرای اما فقط به این جا ختم نمی شود. چند سالی است که مسئولان حکومت اسلامی، تصمیم گرفته اند فلم و سریال هائی را که به لحاظ ساختار و محتوا با عقاید مذهبی حاکمیت سازگار نیست، در شبکه نمایش خانگی عرضه کنند. این عرصه هم به علت ضعف نظارت سازمان سینمایی، محل جولان سرمایه های کثیف شده است. جنجال برانگیز ترین پرونده فساد مالی در بخش سینمای خانگی مربوط به «شهرزاد» یکی از موفق ترین سریال های سال های اخیر است که بعدها مشخص شد برای تولید آن از پول های کثیف استفاده شده است. وقتی خبر فساد ۸ هزار میلیارد تومانی در صندوق ذخیره فرهنگیان درز کرد و نام سریال شهرزاد هم در این پرونده مطرح شد، دوستداران و حتی دست اندرکاران این مجموعه در بهت فرو رفتند. کار به جائی رسید که در شبکه های اجتماعی پویشی مبنی بر توقف تولید بخش دوم این مجموعه طرح شد. چرا که یکی از سرمایه گذاران این سریال به نام محمد امامی، که قبل از آن فلم های «تابو»، «ابد و یک روز»، «خوب، بد، جلف» و «کاناپه» را هم تهیه کرده بود، به اتهام فساد مالی در ارتباط با صندوق ذخیره فرهنگیان بازداشت شده بود. دیگر تهیه کننده این سریال، هادی رضوی، داماد محمد شریعتمداری، وزیر کار و امور اجتماعی، بود که تا آن زمان سابقه تهیه کنندگی فلم و سریال نداشت و بودجه ۱۲ میلیارد تومانی این سریال را همراه با امامی تامین کرده بود. رضوی هم اکنون به اتهام فساد مالی در پرونده بانک سرمایه به ۲۰ سال زندان، رد مال، ۷۴ ضربه شلاق و محرومیت از خدمات دولتی محکوم شده است.

وجود نام افرادی مثل بابک زنجانی، که متهم به فساد مالی است، به عنوان تهیه کننده چندین فلم از جمله «نقش نگار»، «هیچ کجا، هیچ کس» و «سیزده» این موضوع را تأیید می کند که عرصه فلم و سریال هم جولانگاه پول های کثیف شده است. اما تلویزیون هم از این قاعده مستثنی نبوده است و پروژه های بسیاری در این سازمان عریض و طویل بوده اند که هزینه و نحوه تولید آن ها با اما و اگرهای بسیاری مواجه بوده است. فلم و سریال های پرهزینه ای که تهیه کنندگی شان به افراد خاص سپرده شد و در نهایت هم یا به لحاظ ساختار یا محتوا اعتراض های بسیاری به دنبال داشت. این ها نمونه ها و بخش های کوچکی از واقعیت تلخ سینما، شبکه خانگی نمایش و تلویزیون ایران است که کسی بر مسائل مالی آن نظارت نمی کند. در چنین فضائی است که بسیاری از هنرمندان و عوامل سینما می گویند از گردش مالی ۲۳۱ میلیارد تومانی سینمای ایران در سال گذشته، چیزی نصیب آن ها نشده است. شرایط مشابه برای کارکنان صدا و سیما هم وجود داشته است؛ سازمانی که سریال های میلیاردی می سازد، در تامین حقوق کارکنانش دچار مشکل

است. فساد مالی در بدنه سینما و تلویزیون در حالی رو به گسترش است که حساسیت مسئولان حکومت اسلامی بیش تر بر شیوه نمایش و به ادعای آنان، فساد اخلاقی متمرکز است.

بودجه جشنواره های دولتی، همیشه مورد توجه و گاه انتقاد برخی رسانه ها قرار دارد و به دلیل عدم شفافیت در ارائه رقم واقعی، این بودجه ها همیشه همراه با حرف و حدیث هائی است. از جمله جشنواره هائی که همیشه مورد نظر اهالی رسانه و سینما قرار دارد، جشنواره فلم فجر است که در سال های اخیر دوپاره شده و درباره رقم های تخصیص یافته شده و هزینه های صورت یافته در این رویداد سالانه موارد متناقضی بیان می شود.

حالا خبرنگار ایلنا، براساس پیگیری و بررسی های انجام داده از طریق سامانه ای رقمی را استخراج کرد که البته به قطعیت نظر و تائید مقامات مسؤول نرسیده است اما بنا بر گزارش صورت یافته برای سی و پنجمین جشنواره فلم فجر در دو بخش ملی و جهانی؛ بیش از ۱۹ میلیارد تومان هزینه شده است.

در این گزارش، آمده است که در سامانه دسترسی آزاد به اطلاعات در روز دوم خرداد سال ۹۶ برای دسترسی به میزان بودجه و هزینه سی و پنجمین دوره جشنواره ملی فلم فجر که در سال ۹۵ و سی و پنجمین جشنواره جهانی فلم فجر که در بهار سال ۹۶ برگزار شده است، سرانجام این رقم به تفکیک اعلام شد. این سامانه در پاسخ به سوال ایلنا، اعلام کرده است: بودجه و هزینه سی و پنجمین دوره جشنواره فلم فجر در بخش ملی بیش از ۱۱ میلیارد تومان و در بخش جهانی بیش از ۸ میلیارد تومان بوده است.

براساس اطلاعات ارایه شده در این سامانه، رقم دقیق بودجه و هزینه سی و پنجمین جشنواره فلم فجر در بخش ملی ۱۱۶/۷۱۴/۹۹۹/۷۳۲ ریال، معادل یازده میلیارد و ۶۷۱ میلیون و ۴۹۹ هزار و ۹۷۳ تومان بوده است.

هزینه و بودجه سی و پنجمین جشنواره فلم فجر در بخش جهانی نیز ۸۴/۲۵۷/۱۳۹/۴۳۷ ریال، معادل ۸ میلیارد و ۴۵۲ میلیون و ۷۱۳ هزار و ۹۴۳ تومان بوده است. (ایلنا، ۱۳۹۶)

دولت دوازدهم برای حوزه سینما، ۲۱۰ میلیارد تومان در لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ در نظر گرفته است که این رقم در لایحه سال ۹۸، ۲۰۵ میلیارد تومان بود که برای سال ۹۹ کمی افزایش داشته است. حوزه سینمای کشور پس از به قدرت رسیدن حکومت اسلامی، سال ها تحت نظارت معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مدیریت و اداره می شد تا این که اواخر سال ۹۰ با هدف کاهش تعداد معاونت های وزارت ارشاد رسماً با راه اندازی و آغار به کار سازمان سینمایی کشور، مسائل مربوط به سینمای ایران با شکل و شمایل متفاوتی مدیریت شد. رئیس سازمان سینمایی کشور در جایگاه معاونت وزیر ارشاد شناخته می شود و چندین معاونت هم زیر مجموعه این سازمان شکل گرفته است.

مهم ترین بودجه پیشنهادی سازمان سینمایی کشور به «برنامه حمایت و گسترش سینمای ملی» با هزینه ۱۳۳ میلیارد تومان و ۱۵ زیرمجموعه فعالیتی اختصاص دارد، بودجه ای که در زیرمجموعه خود فعالیت ها و پروژه های مختلف و بسیاری را شامل می شود.

دولت برای حمایت از برگزاری جشنواره فلم فجر بودجه ای ۱۷ میلیارد تومانی را اختصاص داده است. در عین حال جشنواره فلم فجر سال گذشته نیز از اسپانسرهای قوی برخوردار بود اما هیچ کس از جزئیات هزینه ها و درآمدها از اسپانسرهای جشنواره تا بودجه خبری ندارد.

به علاوه علی عسکری رئیس رسانه ملی، با اشاره به افزایش بودجه شبکه مستند در سال ۹۹، گفت: ما برای این که عرصه مستند در حال رشد و توسعه است، تصمیم گرفتیم بودجه شبکه مستند را به دلیل ظرفیت بالای آن، افزایش دهیم و بر این اساس مقرر شد با وجود همه مشکلات، بودجه اجرائی و تولیدی شبکه مستند را ۵۰ درصد اضافه کنیم. شایان ذکر است که اغلب مستندهای حکومت اسلامی، بنجل و اساسا به تبلیغات جنگ و جنگ طلبی و ایدئولوژی اسلامی در راستای سیاست های حاکمیت، اختصاص داده می شود.

شورای نگهبان، روند بررسی صلاحیت نامزدهای یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای ارتجاعی اسلامی را به پایان رسانده و به گزارش خبرگزاری تسنیم «۸۰ نماینده از چهره های اصلاح طلب و اصول گرای» حاضر در مجلس فعلی را رد صلاحیت کرده است. برخی از خبرنگاران می گویند تعداد رد صلاحیت شدگان بیش تر است. بر اساس این گزارش ها، صلاحیت شماری از نمایندگان فعلی مجلس از جمله محمود صادقی، الیاس حضرتی، علی مطهری، محمد رضا تابش، حسین نقوی حسینی، طیبہ سیاوشی، فاطمه سعیدی و نادر قاضی پور برای کاندیداتوری مجدد در انتخابات رد شده است.

تعدادی از تائید صلاحیت شدگان سرشناس عبارتند از محمد باقر قالیباف، الیاس نادران، مجتبی ذوالنور، مصطفی کواکبیان، سهیلا جلودارزاده، محسن علیجانی و پروانه مافی.

عباسعلی کدخدائی، سخنگوی شورای نگهبان گفته که «صبح امروز ۲۲ دی ماه اسامی افراد تائید شده به فرمانداری ها اعلام شده و در حال دریافت شکایت رد صلاحیت شدگان هستیم.»

شورای نگهبان در اطلاعیه ای از نامزدهای رد صلاحیت شده درخواست کرده که ظرف مدت ۵ روز از تاریخ ۲۲ تا ۲۶ دی ماه می توانند نسبت به رد صلاحیت خود شکایت کنند.

دوره دهم «قانون» گذاری مجلس شورای اسلامی در خرداد ۱۳۹۹ به پایان می رسد و مطابق مقررات حکومت اسلامی، انتخابات آن باید چند ماه پیش از شروع رسمی دوره بعد، برگزار شده باشد.

مطابق قوانین ایران وزارت کشور مجری برگزاری انتخابات است و شورای نگهبان ضمن بررسی صلاحیت داوطلبان نامزدی و تائید نهائی صحت برگزاری انتخابات (به جز شوراهای شهر و روستا) باید با تاریخ برگزاری آن هم موافقت کند.

سخنگوی وزارت کشور دولت اسلامی ایران، گفته است که هم زمان با انتخابات مجلس عباسعلی کدخدائی، سخنگوی شورای نگهبان شامگاه یک شنبه به صدا و سیما گفت که این شورا صلاحیت ۹۰ نفر از نمایندگان فعلی مجلس را نپذیرفته و بیش تر رد صلاحیت ها به خاطر فساد مالی بوده است. کدخدائی که شامگاه ۲۲ دی ماه به برنامه گفت و گوی ویژه خبری شبکه دو سیما آمده بود در مورد روند بررسی صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس یازدهم شورای اسلامی گفت:

«از حدود ۲۴۷ نفر نماینده فعلی مجلس ۹۰ نفر صلاحیت شان عمدتا به خاطر مسایل مالی تائید نشد. البته به برخی از آن ها مستندات پروندهشان توضیح داده شد و به بقیه نیز اگر درخواست کردند این مستندات ارائه می شود.»

شورای نگهبان صبح یک شنبه ۲۲ دی - ۱۲ ژانویه، از پایان بررسی صلاحیت نامزدهای نمایندگی انتخابات مجلس شورای اسلامی خبر داد.

هیچ خیرت انگیز نیست که کدخدائی اقرار کند رد صلاحیت ۹۰ نماینده کنونی مجلس «به خاطر فساد مالی» بوده است. همین موضوع نشان می دهد هنگامی که نهاد قانون گذاری کشوری فاسد است پس نباید هیچ شکی برای کسی باقی بماند

که کلیت حکومت اسلامی ایران دچار فساد سیستماتیک شده است و به هیچ وجه اصلاح پذیر نیست. از این رو، کسانی که شعار «رفراندوم رفراندوم» سر می دهند بدانند که کلیت این حکومت از بیخ و بن فاسد و مافیائی و تبه کار است و باید با یک عمل جراحی ریشه ای دور انداخته شود چرا که هیچ مسکن و درمانی برای این بیمار مسری و خطرناک تأثیری ندارد!

در همین حال قاسم میرزائی نیکو، عضو کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها در مجلس شورای اسلامی نیز خبر داد که صلاحیت ۳۰ نماینده از مجموع ۱۲۰ نماینده کنونی مجلس که رد صلاحیت شده بودند به یک باره شب گذشته تأیید شد. میرزائی نیکو گفت:

«طبق اطلاع ما در مرحله اول ۱۲۰ نماینده داوطلب نمایندگی رد صلاحیت شده بودند که شب گذشته یک مرتبه ۳۰ نماینده را تأیید صلاحیت کردند. تا آخر وقت اداری روز گذشته به این نمایندگان گفته بودند که صلاحیت تان رد شده، اما به یک باره آخر شب گذشته به آن ها اعلام کردند که صلاحیت شان تأیید شده لذا در حال حاضر تعداد نماینده های فعلی که در دوره بعد قصد کاندیداتوری دارند و رد صلاحیت شده اند، ۹۰ نفر است.»

یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در اسفندماه در دو نوبت در حالی برگزار می شود، که بحران تمام فضائی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و دیپلماسی ایران را فراگرفته است. در چنین وضعیتی این احتمال وجود دارد که سران و مقامات حکومت اسلامی، آرزوی برگزاری این نمایش انتخاباتی خود را به گور ببرند!

پنج روز پس از این که پهپادهای آمریکائی با هدف قرار دادن خودروی حامل قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس در نزدیکی فرودگاه بغداد، او و همراهانش را کشتند، سپاه پاسداران حکومت اسلامی ایران، با راکت های بالستیک پایگاه نظامی آمریکا در عین الاسد عراق را هدف گرفت. در حمله راکتی ایران هیچ نظامی یا غیر نظامی آمریکائی و عراقی کشته نشد.

ساعاتی پس از این حمله، پدافند سپاه پاسداران یک هواپیمای مسافربری خطوط هوایی اوکراین را در آسمان حومه تهران با راکت هدف قرار داد که در نتیجه آن تمامی ۱۷۶ سرنشین آن جان باختند.

یک مقام ارشد اوکراینی به شبکه تلویزیونی و دیجیتال «اروپای آزاد» گفته کی یف همان ابتدا و بنا بر شواهد به این نتیجه رسیده بود که پرواز شماره ۷۵۲ هدف راکت قرار گرفته، اما چون نمی خواست تهران مانع تحقیقات شود، حرفی نزد.

این اظهارات پس از انتقادهای در خود اوکراین به واکنش کی یف پس از سقوط هواپیما مطرح می شود. دبیر شورای امنیت ملی و دفاعی اوکراین، به شبکه «کارنت تایم»، گفته کنیف روز پس از سرنوشتی هواپیما به طور قطع می دانست که سقوط هواپیما ناشی از عملکرد نیروهای مسلح ایران است.

مقام های حکومت اسلامی ایران تا صبح ۲۱ دی ماه، اصابت راکت به هواپیما را رد می کردند، آنرا «جنگ روانی» و دروغ توصیف می کردند. مشاور رئیس جمهوری ایران به رسانه ها و خبرنگاران در مورد انتشار گزارشی که دلیل سقوط هواپیما را نقص فنی نداند، «هشدار» داده بود.

به گزارش خبرگزاری رویترز به نقل از دو نظامی عراقی مستقر در پایگاه عین الاسد، حدود هشت ساعت قبل از حمله راکتی ایران به این پایگاه در ۸ ژانویه، سربازان عراقی و آمریکائی در تکاپو برای انتقال تسلیحات و نظامیان مستقر در پایگاه به سنگرهای مستحکم و امن بوده اند.

به گزارش یورونیوز، بنا بر اظهارات منابع اطلاعاتی، در نیمه شب به وقت بغداد هیچ جت جنگنده یا بالگردی در محوطه روباز قرار نداشته اند و سربازان و مهمات دپو شده در زاغه ها نیز به پناهگاه های امن منتقل شده بوده اند. یک افسر اطلاعاتی عراق گفته است نیروهای آمریکائی چنان از حمله «کاملاً آگاه» بوده اند که راکت ها در زمان شلیک در ساعت ۱.۳۰ دقیقه بامداد، به زاغه هائی برخورد کردند که «ساعت ها پیش تخلیه شده بودند» و هیچ کس در این جریان زخمی و کشته نشد.

سرهنگ آنتیونت چیس از ارتش آمریکا که در عراق حضور دارد درباره حمله می گوید: «من اطلاعاتی دریافت کردم که یک حمله راکتی در پیش است و این حمله متوجه عین الاسد خواهد بود. ما خیلی خوب آماده بودیم... فقط ده روز قبل از آن رزمایشی برای آمادگی برای حمله ای مشابه برگزار کرده بودیم.»

در همین حال یک مشاور عادل عبدالمهدی، نخست وزیر عراق که خواست نامش فاش شود به خبرگزاری رویترز گفت ایران لحظاتی قبل از حمله راکتی، غیرمستقیم عراق را باخبر کرده بود. این منبع عراقی گفته است پیام ایران از طریق یک کشور عربی و یک کشور اروپائی (که نام آن ها را نبرده است) به مقامات عراقی رسانده شده است. رویترز می نویسد نزدیک به ۶ روز پس از این حمله، گزارش ها نشان می دهد این عملیات یکی از بدترین موارد محرمانه نگاه داشتن اطلاعات در تاریخ جنگ های مدرن بوده است.

تشکل های صنفی معلمان و ۱۰ تشکل صنفی کارگران و بازنشستگان، با صدور بیانیه هائی با بازماندگان فاجعه ابراز همبستگی و از اعتراض مردم حمایت کرده اند.

کانون صنفی معلمان تهران بیانیه خود را با شعر شاملو آغاز کرده است: «بگذار برخیزد مردم بی لبخند، بگذار برخیزد!»

معلمان تهران در ادامه با توجه به سیاست انکار و سپس اقرار مسؤولان از نوشته اند: «بیان حقیقت دشوارترین و خطرناک ترین عنصر برای نظامی است که زیستن در چنبره دروغ را دیرزمانی است شیوهی خودساخته.»

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، سندیکای نقاشان البرز، شورای بازنشستگان ایران، جمعی از فعالین لغو کار کودک، جمعی از فعالین کارگری سنندج، اتحاد بازنشستگان، بازنشستگان تامین اجتماعی، اتحاد بازنشستگان ایران، بخشی از بازنشستگان فولاد و تشکل بازنشستگی «گروه ۱۹ اسفند» در بیانیه مشترکی به انتقاد از پنهانکاری مسؤولان پرداخته اند: «تمامی مسولین و مقامات حکومتی وقوع چنین حادثه هولناکی را سه روز تمام انکار و رسماً اعلام کردند یک سانحه هوائی در اثر نقص فنی هواپیما رخ داده است. خیلی سریع محل وقوع حادثه پاکسازی شد تا آثار آن از بین برود.»

در این بیانیه، به سرکوب خونین اعتراض های آبان نیز اعتراض شده است: «همان «اشتباهاتی» که از شلیک مستقیم به سر مردم معترض در خیابان ها در آبان ماه رخ داده بود، به زدن هواپیمای مسافری و کشته شدن ده ها انسان بی گناه منجر شد. اما این نوع اعتراف هم نتوانست علت جنایت به وقوع پیوسته را لاپوشانی کند، جامعه آرام ننشست و مردم خشمگین و عصبانی در تهران و برخی شهرستان ها به خیابان ریختند و با نفرتی عمیق، عاملین اصلی و سازمانده جنایت را نشانه گرفتند.»

این تشکل های کارگری خواهان «محاكمه و مجازات آمرین و عاملین اصلی این فاجعه» شده اند.

در پایان این بیانیه مشترک آمده است:

«تظاهرات حق مردم است و تا معرفی شدن جنایت کاران و محاکمه آنان در دادگاه های مردمی باید بدون هیچ گونه مانع و ایجاد مزاحمتی از جانب نیروهای سرکوبگر ادامه داشته باشد. وظیفه کارگران، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، جوانان، و همه مردم آزادی خواه و برابری طلب است با پیوستن به اعتراضات جاری تا رسیدن به نتیجه مطلوب به مبارزه خود ادامه دهند.»

در چهارمین روز دور تازه اعتراضات، دانشجویان در دانشگاه های تهران، پلی تکنیک و بهشتی تجمعات اعتراضی برپا کردند. در دانشگاه بهشتی بین دانشجویان معترض و بسیجیان درگیری پیش آمد. در دانشگاه تهران دانشجویان شعارهای تازه ای را مطرح کردند، «نه رفرا ندن نه اصلاح، اعتصاب، انقلاب» از جمله این شعارها بود. «مرگ بر ستم گر، چه شاه باشه چه رهبر»، «ننگ ما ننگ ما، رهبر الدنگ ما»، «مسئول بی کفایت، استعفا، استعفا»، «۱۵۰۰ نفر کشته آبان ماست»، «فریاد، فریاد، از این همه بی داد» از جمله شعارهای دیگر این تظاهرات دانشجویی بود. کانال شوراهای صنفی دانشگاه ها در گزارشی نوشته است: هم زمان با برگزاری تجمع اعتراضی دانشجویان جو شدید امنیتی در داخل و اطراف دانشگاه تهران برقرار بوده است. تمام مسیرهای منتهی به سردر دانشگاه تهران توسط داربست و نرده بسته شده و چهارراه ادبیات پردیس دانشگاه به انحصار (دانشجویان؟) بسیج و بلندگوهاشان درآمده بود. هم چنین حضور پرتعداد لباس شخصی ها داخل و خارج از دانشگاه بسیار محسوس و جداره های خارجی دانشگاه در محاصره گارد ویژه بوده است. با این وجود تجمع دانشجویان شکل گرفته است.

دانشجویان در تظاهرات دانشگاه تهران، این شعارها را تکرار می کردند:

از ایران تا بغداد، فقر، ستم، استبداد؛ از تهران تا بغداد شعار ما انقلاب؛ بلوچستان تو آبه، رژیم دستش چماقه؛ اصلاح طلب، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا؛ ۱۵۰۰ نفر، کشته آبان ماست؛ چه دی باشه چه آبان پیام یکی است انقلاب؛ چه دی باشه چه آبان پیکار کف خیابان؛ از اهواز تا تهران سرکوب زحمت کشان برادر سیل زده، حمایتت می کنیم؛ بسیجی حیا کن، دانشگاهو رها کن. پول نفت گم شده خرج بسیجی شده؛ و...

جشنواره فلم فجر در حوزه های مختلف هنری هر سال اواسط بهمن ماه برگزار می شود. گرچه پیش تر برخی از هنرمندان به دلیل سانسور و تبعیض خواستار تحریم این جشنواره شده بودند، اما امسال به دلایلی غیرهنری این تحریم در حال شکل گیری است.

هم زمان با این اخبار تجمع های اعتراضی در تهران، مشهد، کرمان، اصفهان، بروجرد، همدان و برخی دیگر از شهرهای ایران برگزار شد. در تهران و در مقابل دانشگاه های امیرکبیر، شریف و تهران صدها تن از مردم شعارهایی علیه حکومت ایران و رهبر جمهوری اسلامی سر دادند.

برخی از هنرمندان، از جمله جعفر پناهی، هدیه تهرانی، و رخشان بنی اعتماد در تجمع مقابل دانشگاه امیر کبیر حضور پیدا کردند. رضا درمیشیان، نویسنده و کارگردانی که فلم «مجبوریم» او از جشنواره فلم فجر بیرون گذاشته شد، با در دست گرفتن تصاویری از کشته شدگان پرواز ۷۵۲ به جمع معترضان در مقابل دانشگاه امیرکبیر پیوست.

شایان ذکر است که پس از اعتراضات آبان ۹۸ که به گزارش خبرگزاری رویترز به جان باختن بیش از ۱۵۰۰ تن انجامید، جمعی از دانشجویان سینما بیانیه ای با عنوان «سینما علیه سینما» منتشر کرده و در آن از سینماگران و هنرمندان خواسته بودند که علاوه بر محکوم کردن اتفاقات آبان ماه به صورت عملی نیز در کنار مردم بایستند و جشنواره فجر را تحریم کنند.

سران و مقامات سخنگویان سیاسی و نظامی حکومت اسلامی، در اظهارنظرهای متناقض خود درباره چگونگی سقوط هواپیمای اوکراینی، هرچه بیش تر حکومت شان را به قعر باتلاقی که خود درست کرده اند فرو می روند.

علی ربیعی، سخنگوی دولت اسلامی ایران که سابقه امنیتی دارد روز ۲۳ دی ماه گفته است عصر روز جمعه که حسن روحانی از شلیک راکت مطلع شد، دستور تشکیل جلسه شورای عالی امنیت ملی داد و گفت «به سرعت به مردم اطلاع رسانی شود.»

پیش از این رسانه های سپاه نوشته بودند وقتی ظهر روز جمعه رهبر حکومت اسلامی از سقوط راکت مطلع می شود، دستور تشکیل فوری جلسه شورای عالی امنیت ملی و اطلاع رسانی به مردم را می دهد. هر دو نفر به روایت رسانه های سپاه صبح روز جمعه از این حادثه مطلع شده بودند.

این در حالی است که فرمانده نیروی هوافضای سپاه دو بار گفته است: «بنده صبح چهارشنبه نسبت به این مسأله مطلع شدم و به مسؤولان اطلاع دادم.»

مشخص نیست مسؤولان مدنظر او چه کسانی بوده اند ولی آیت الله خامنه ای به عنوان فرمانده کل قوا، ارشدترین مسؤول نظامی ایران محسوب می شود. در بیت او یک دفتر ویژه امور نظامی وجود دارد و دو نفر مشاور ارشد نظامی دارد که از فرماندهان سابق سپاه بوده اند.



خامنه ای و دفتر او یا همان ساعات اول مطلع بوده اند و دولت هم همین طور، اما سکوت کردند و ۴۸ ساعت شلیک راکت توسط پدافند هوایی سپاه به هواپیمای مسافربری را نه تنها انکار کردند، بلکه آن را توطئه خارجی علیه نظام خود نامیدند.

اما اکنون حکومت اسلامی می کوشد آن را به گردن یک مأمور بیاندازد در حالی که کل سیستم حکومت اسلامی، بار دیگر مرتکب جنایت علیه بشریت شده است. بنابراین، این واقعه نه یک خطای انسانی، بلکه جنایت دیگر حکومت اسلامی در کنار مجموعه جنایات آن در چهل و یک سال گذشته است. تاکنون هیچ یک از عاملین و عامرین اصلی جنایت های حکومت اسلامی، حتی مورد کم ترین سوال و بازخواستی هم قرار نگرفته اند اما اکنون وضعیت نسبت به سابق خیلی فرق کرده و اکنون فروریزی در بدنه حکومت اسلامی آغاز شده است و عامل اصلی آن نیز خیزش مردمی دی ماه ۹۶ و دی و آبان ۹۸ است.

در سومین روز متوالی اعتراضات مردم شهرهای مختلف ایران در پی سرنگونی هواپیمای مسافربری اوکراین و جان باختن ۱۷۶ سرنشین، روز دوشنبه ۱۳ ژانویه ۲۰۲۰ این اعتراضات ادامه داشت.

در کرمان، زادگاه پاسدار قاسم سلیمانی که چندی پیش در حمله هوایی ارتش آمریکا در منطقه ای در نزدیکی فرودگاه بغداد کشته شد، نیز مردم تجمع کرده و با سر دادن «این همه سال جنایت، مرگ بر این ولایت» خواستار کناره گیری خامنه ای رهبر حکومت اسلامی ایران از قدرت شدند.

براساس گزارش ها تا کنون تعدادی از معترضان به ضرب گلوله نیروهای امنیتی مجروح شده اند. ویدئوهایی از نیروهای لباس شخصی مسلح و هم چنین معترضان زخمی منتشر شده است.

از آغاز شورش آبان ماه، ترور راکتی پاسدار قاسم سلیمانی و سپس سقوط هواپیمای اوکرائینی و آغاز اعتراض عمومی علیه دروغ گوئی های سران و مقامات و رسانه های حکومتی، حتی متوهم ترین انسان ها را نیز متوجه کرده است که حکومت اسلامی ایران باید برود!

مقامات حکومت اسلامی، هنوز هم گزارشی دقیق از بررسی و اقدام لازم در بی کفایتی مسئولان حادثه کشته شدن بیش از ۷۰ نفر و مصدوم شدن حدود ۳۰۰ نفر از شهروندان کرمانی در نمایش جنازه گردانی و خاک سپاری پاسدار قاسم سلیمانی نداده است.

در واقع در افکار و سیاست های ارتجاعی حکومت اسلامی، دو شیوه راه پیمائی و تظاهرات وجود دارد: اگر تظاهرات حکومتی باشد مردم را با اتوبوس مجانی به محل می آورند، غذای گرم می دهند، ساندیس پخش می کند و آن ها هم بی حال و بی رمق عکسی را هوا می کنند و شعارهایی که عوامل حکومتی و بسیج سر می دهند تکرار می کنند و ماجرا تمام می شود. مانند مراسم پاسدار قاسم سلیمانی، ۲۲ بهمن و... در میان این جمعیت، نیروهای سپاه، بسیج، انتظامی، ارتش، لباس شخصی ها، لات ها و جاهل های طرفدار حکومت و به طور کلی چماقداران و جانیان حکومتی هم حضور دارند.

نوع دوم راه پیمائی و تظاهراتی است که از سوی مردم و به صورت غافلگیر کننده ای علیه حکومت برگزار می شوند که تازه ترین نمونه اش تظاهرات علیه پنهان کاری و دروغ گوئی حکومت درباره راکت پراکنی به پایگاه های آمریکا در عراق و سقوط هواپیمای اوکرائینی است. در این جا تمام نیروهای سرکوب حکومتی به حال آماده باش درمی آیند و در خیابان ها، از تظاهر کنندگان با گاز اشک آور، کاتیوشا، تیربار و سلاح های گرم و سرد پذیرائی می کنند. پایان این پذیرائی، خون هائی که روی سنگ فرش های خیابان ها ریخته شده و زخمی هائی که از درمان آن ها جلوگیری می شود و جان باختگانی که حتی برای خانواده هایشان اجازه کفن و دفن و عزاداری هم نمی دهند.

اکنون دیگر کسی به جنازه گردانی، سینه زنی و نوحه خوانی و شیون های ظاهری خامنه ای و غیره اهمیتی نمی دهد اکنون آن چه که برای اکثریت مردم ایران مهم است برچیدن بساط خونین این حکومت است!

به امید این که هر چه بیش تر روشنفکران، هنرمندان و ورزشکاران هم موضع خود را همانند خیزش های اخیر مردمی بر علیه حکومت و سیاست های ارتجاعی آن، رادیکال تر کنند و به نوبه خود مبارزات بر حق و عالانه مردم علیه حلیت حکومت اسلامی را تقویت کنند. این کم ترین انتظاری است که مردم از روشنفکران و هنرمندان و ورزشکاران خود دارند!

چهارشنبه بیست و پنجم دی [جدی] ۱۳۹۸ - پانزدهم جنوری ۲۰۲۰

*مجموع ۸۰ قطعه گزارش ویدیویی از اعتراضات روزهای اخیر از شهرهای تهران، ساری، یزد، گرگان، اراک، شهر قدس، یزد، سمنان، شیراز، رشت، بابل، آمل، مشهد، زنجان، اهواز، کرمانشاه، سنندج، قزوین و در دانشگاه های اراک، دامغان، پردیس کرج، صنعتی اصفهان، علامه طباطبائی، خواجه نصیر، الزهرا، علم و صنعت و دانشگاه شهید بهشتی را در ادامه می بینید: <https://youtu.be/9OTFhgIp-78>